

# شهرهای ایران مانند مردم آن بسیار متنوع اند

گفت و گو با میشل کلور برشتولد سفیر آلمان در تهران

■ **مریم سالاری/ این روزها دیپلماسی شهری به عنوان یکی از وجوه دیپلماسی عمومی با نقش آفرینی نهادهای فراملی در کنار حکومت مرکزی، نقش مؤثری در عرصه روابط بین الملل یافته است. چه دیپلماسی شهری می تواند به موازات «دیپلماسی دولت ملت» قادر به ایفای نقش در فرآیند جهانی شدن سیاسی و فرهنگی باشد. سفیر آلمان در ایران معتقد است شهر داراهم سفرای مهمی برای شهرهایشان به شمار می آیند و در کنار سفرای دیپلماتیک می توانند به درک متقابل ملت ها کمک کنند. میشل کلور برشتولد که به واسطه نقش آفرینی فعال در ایران در چارچوب دیپلماسی عمومی، خلق و خوی متفاوت و روابط گرم و صمیمی اش با شهروندان ایرانی، در کشور میزبان شهرت ویژه ای دارد، در گفت و گویی اختصاصی از اهمیت دیپلماسی شهری و دیدگاهش به مردم و شهرهای ایران سخن گفته است.**

گفت و گو

■ شما به عنوان سفیری در ایران مشهور هستید که از طریق دیپلماسی عمومی ارتباطات گسترده ای را با نهادهای رسمی و غیر رسمی برقرار کرده اید. بفرمایید آیا دیپلماسی شهری در چارچوب دیپلماسی عمومی تعریف می شود؟ ۲- پیگیری دیپلماسی شهری با بهره گیری از چه مولفه هایی امکان اجرایی شدن دارد؟

ما بعنوان دیپلمات می خواهیم به درک متقابل ملت ها از هم کمک کنیم. شهر داراهم برای شهرهایشان سفرای مهمی هستند که ایده ها و ابتکار عمل های مشخصی را به جریان می اندازند، مثل همین خواهرخواندگی بین شیراز و وایمار؛ در وایمار مجسمه ی یادبود حافظ و گوته نصب شده است. امسال در شیراز دو بیست مین سالگرد انتشار «دیوان غربی - شرقی» گوته را جشن می گیریم - نماد دوستی معنوی گوته، شاعر آلمانی با حافظ، شاعر ایرانی.

یامثلاً سفر شهر دار در سدن. مایلم در اینجا اشاره ای به یکی از پروژه های مهم دانشگاه فنی در سدن بکنم: بعد از زلزله ی ویرانگری که در سال ۱۳۸۲ در بزم رخ داد، خانه ی کاهگلی تاریخی سیستمی هابراساس جدیدترین مطالعات ضد زلزله بازسازی شد و برای نسل های بعد به یادگار گذاشته شده است. من خودم هم برای افتتاحش به بزم رفتم، یکی از مسحورکننده ترین شهرهای ایران.

■ مدیریت کلانشهری مانند تهران چه تفاوت هایی با مدیریت سایر شهرهای بزرگ دنیا دارد؟

شهرها با هم فرق می کنند. برعکس پایتخت های اروپایی، من در تهران صمیمیت و گپ و گفت خیلی بیشتری بین مردم می بینم. بگذارید برایتان مثالی بزنم: وقتی در قطارهای مترو تهران هستم، هر کسی با دیگری مشغول صحبت است؛ گفت و گوهای صمیمانه و گرمی بین مسافران شکل می گیرد، راجع به موضوعات مختلف، بعد ناگهان متوجه می شوید که به مقصدتان رسیده اید و همچنان آنها را گرم صحبت می بینید. مردم آلمان بیشتر تمایل دارند تا زمان رسیدن قطار به ایستگاه هر کس به حال خودش باشد و ساکت

ویژه نامه روز  
جهانی شهرها  
آبان ۱۳۹۸

ایران



بماند. جو سردتر است و چندان گرم و صمیمی نیست. ■ شما تجربیات زیادی از از گردش در تهران و نقاط دیدنی ایران دارید و برجسته ترین تجربه تان از حضور در مکان های مختلف تهران چه بوده است؟

برای فهم یک کشور، دیدن پایتخت آن لازم است، بخصوص اگر پای شهری زنده و پرجنب و جوش مثل تهران در میان باشد. تهران بخاطر موقعیتی که میان کوه و کویر دارد، آدم را تحت تأثیر قرار می دهد. الان هم که پاییز شده، تقریباً از هر جای شهر که به کوه های البرز نگاه کنید، آنها را پوشیده از برف می بینید. کدام پایتخت چنین منظره ای دارد؟ حتی بستر رودخانه های تهران مثل دارآباد، در بند، جاجروود یا حصارک با تخته هایی که در آب کار گذاشته اند، آدم را به خود جذب می کنند. همچنین یکی از خاطره انگیزترین لحظه های من در تهران، تحویل گنبد تاریخی بازار بزرگ بود که با حمایت مالی سفارت آلمان مراحل مرمت آن به انجام رسید.

■ تا چه اندازه تجربه حضورتان در ایران و تعاملی که با مردم آن داشته اید برای اصلاح دیدگاه کشورتان نسبت به ایران بهره گرفته اید؟ چه هدفی را از طریق سفرهای درون شهری و برون شهری به مقاصد مختلف، جست و جو می کنید؟ و این اقدامات تا چه اندازه توانسته به اهداف مأموریت دیپلماتیک شما کمک کند؟

یک سفیر، واسطه میان دودنیای متفاوت است: از یک سو وظیفه دارم مواضع جمهوری فدرال آلمان را برای مردم ایران روشن کنم و آنها را به فرهنگ آلمان علاقمند نمایم. از سوی دیگر می خواهم پنجره شناخت ایران را برای آن دسته از آلمانی هایی که به ایران علاقه دارند، باز نمایم. برای این منظور، شناخت خود من از ایران، امری اجتناب ناپذیر است. برای همین هم براریم نشست و بحث و گفت و گو کردن با ایرانی ها راجع به مسائل مختلف زندگی شان مهمتر از نشست پای میزهای تشریفاتی غذاهای سفارتنی است. مردم باید بدانند که دیپلمات ها هم آدم هستند و تعیین مشی سیاسی نباید